

## آیا جمله « اللهم وال من والاه ... » در حدیث غدیر از نظر سندی صحیح است؟

سؤال کننده : فائز مؤمنی

**شبهه :**

ابن تیمیه در منهاج السنه می گوید :

... لكن حديث الموالاة قد رواه الترمذی و أحمده و الترمذی فی مسنده عن النبي (ص) انه قال : « من كنت موالاه فعلى

موالاه » و أما الزيادة و هي قوله : « اللهم وال من والاه و عاد من عاداه الخ » فلا ريب انه كذب .

منهاج السنه النبویه ، أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس (الوفاة 728هـ) ، ج 7 ، ص 319 ، ناشر : مؤسسة قرطبة - 1406 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم

حديث موالاة را ترمذی و احمد بن حنبل روایت کرده اند (مثلاً) ترمذی در مسند خود از پیامبر (ص) روایت می کند که فرمود « هر که من مولای اویم ، علیّ مولای اوست » و اما زیاده بر این یعنی این کلام پیامبر (ص) « فدایا دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن دارد هر که با او دشمنی کند»

بدون تردید دروغی است که به پیامبر (ص) نسبت داده شده است ..

و محمد بن عبد الوهاب نیز با چشمان بسته و فقط برای این که از ابن تیمیه پیروی کرده باشد ، حدیث غدیر و « اللهم وال من والاه و عاد من عاداه الی آخر » را این گونه زیر سؤال می برد :

و أما الزيادة فليست في الحديث ... و لا ريب أنها كذب .

مسائل لخصها محمد بن عبد الوهاب ، محمد بن عبد الوهاب متوفای 1206 هـ ، ج 1 ، ص 154 ، ناشر : مطابع الرياض - الرياض ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد العزيز بن زيد الرومی ، د . محمد بلتاجی ، د . سید حجاب .

و اما بیش از « من كنت موالاه فعلى موالاه » در حدیث ، نیامده ... و بدون شک دروغ است .

**نقد و بررسی ادعای ابن تیمیه :**

یکی از خصلت های بارز ابن تیمیه حرانی و پیروانش ، انکار فضائل و روایات صحیح السندی است که در باره اهل بیت علیهم السلام وارد شده است .

با این که بسیاری از بزرگان اهل سنت حدیث شریف غدیر را همراه با جمله « اللهم وال من والاه ... » نقل و به صحت آن اعتراف کرده اند ؛ اما در عین حال می بینیم که مخالفت و عداوت با امیر مؤمنان علیه السلام سبب شده است که ابن تیمیه و پیروانش آن را

انکار و دروغ بدانند .

بی تردید اگر ثابت شود که جمله « اللهم وال من والاه . . . » از نظر سندی طبق قواعد اهل سنت هیچ مشکلی ندارد و علمای سنی در طول تاریخ به صحت آن اعتراف کرده‌اند ، دروغ بودن ادعای ابن تیمیه و در نتیجه عداوت وی با خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، ثابت می شود .

### بیش از سی نفر از صحابه آن را نقل کرده‌اند :

ابن حجر هیثمی که از علمای بزرگ اهل سنت است ، اعتراف می کند که بیش از سی نفر از صحابه حدیث غدیر را همراه با جمله « اللهم وال من والاه . . . » نقل کرده‌اند :

المَدِیْثُ الرَّابِعُ قَالَ (ص) یَوْمَ غَدِیرِ فَمِ : « من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » المَدِیْثُ وَ قَدْ

مر . . . أنه رواه عن النبی (ص) ثلاثون صحابياً .

الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة ، أبو العباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر الهیثمی (متوفای 973 هـ) ، ج 2 ، ص 353 و 355 ، الفصل الثانی : فی فضائله رضی الله عنه و کرم الله وجهه ، دار النشر : مؤسسه الرساله - لبنان - 1417 هـ - 1997 م ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : عبد الرحمن بن عبد الله التركي - کامل محمد الخراط

مدیث چهارم (در فضائل علی علیه السلام) که پیامبر اکرم در روز غدیر فرمود : « هر که من مولای اویم ، این (علی علیه السلام) ، مولای اوست بارفدایا دوست بدار هر کس را که علی را دوست دارد ، و دشمن بدار هر کس را که ، دشمن اوست » این مدیث است و همان گونه که گذشت سی صحابه آن را از پیامبر ، روایت کرده‌اند .

عجلونی نیز که از علمای بزرگ اهل سنت است در کشف الخفاء به این مطلب تصریح می کند :

« من کنت مولاه فعلی مولاه » رواه الطبرانی و أحمد و الضیاء فی المختارة عن زید بن أرقم و علی و ثلاثین من الصحابة بلفظ

اللهم وال من والاه و عاد من عاداه « فالحديث متواتر أو مشهور .

کشف الخفاء ومزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث علی ألسنة الناس ، إسماعیل بن محمد العجلونی الجراحی (متوفای 1162 هـ) ، ج 2 ، ص 361 ، ناشر : مؤسسه الرساله - بیروت - 1405 ، الطبعة : الرابعة ، تحقیق : أحمد القلاش .

مدیث « هر که من مولای اویم ، علی مولای اوست » را طبرانی و احمد بن منبل و ضیاء در کتاب المفتارة (کتاب برگزیده) اش از زید بن ارقم (صحابی) و امیر المؤمنین علیه السلام و سی نفر از صحابه ی پیامبر (ص) با لفظ « اللهم وال من

والاه و عاد من عاداه » روایت کرده‌اند پس مدیث ، یا متواتر است و یا مشهور .

و جمال‌الدین زیلعی نیز که از بزرگان اهل سنت به حساب می آید ، نام بیش از ده نفر از صحابه را برده و می گوید : تعداد دیگری را

نیز از صحابه دیده‌ام که آن را نقل کرده‌اند :

**المدیث التاسع : قال : و ذلك لدعوة نبينا « اللهم عاد من عاداه »**

قلت : روى من مدیث زید بن أرقم و من مدیث البراء بن عازب و من مدیث سعد بن أبی وقاص و من مدیث طلمة بن عبید الله و أبى سعید الفدری و أبى هريرة و أنس بن مالك و ابن عمر و جریر بن عبد الله البجلي و جابر بن عبد الله و مذيفة بن أسيد الغفاری و مبشی بن جنادة . . . ثم وقع لی فی كتاب الموالاة للمافظ أبى العباس أمد بن ممد بن سعید المعروف بابن عقدة فوجدته رواه عن **جماعة آفرین من الصابئة** رضوان الله عليهم أجمعين .

تخریج الأحادیث والآثار الواقعة فی تفسیر الکشاف للزمخشری ، جمال الدین عبد الله بن یوسف بن محمد الزبلی (متوفای 762هـ) ، ج 2 ، ص 234 الی 244 ، ناشر : دار ابن خزیمة - الرياض - 1414هـ ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : عبد الله بن عبد الرحمن السعد .  
مدیث نهم : زمخشری گفت : ذکر این مدیث به خاطر دعای پیامبر (ص) در مورد علیّ ، است که فرمود : « اللهم عاد من عاداه » .

من (زیعلی) می‌گویم : این مدیث پیامبر(ص) از زید بن أرقم (صابی) و البراء بن عازب (صابی) سعد بن أبی وقاص (صابی) طلمة بن عبید الله (صابی) و أبى سعید الفدری (صابی) و أبى هريرة (صابی) و أنس بن مالك (صابی) و ابن عمر (صابی) و جریر بن عبد الله البجلي (صابی) و جابر بن عبد الله (صابی) و مذيفة بن أسيد الغفاری (صابی) و مبشی بن جنادة (صابی) ، روایت شده است . . . و در کتاب الموالاة مافظ ابن عقده ، جماعت دیگری از صابیه رضوان الله عليهم اجمعين را یافته‌ام که این مدیث را ابن عقده از آنان نقل نموده‌است .

و ابن عبد البر نیز تعدادی از صحابه را نام می‌برد که این جمله را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده و نقل کرده‌اند :

و روى بريدة و أبو هريرة و جابر و البراء بن عازب و زید بن أرقم كل وامد منهم عن النبی صلی الله علیه و سلم أنه قال يوم غدیر خم «من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من واهه و عاد من عاداه» .

الاستیعاب فی معرفة الأصحاب ، یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر (متوفای 463 ) ، ج 3 ، ص 1099 ، ناشر : دار الجیل - بیروت - 1412 ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : علی محمد الجاوی

و بريدة و أبو هريرة و جابر و براء بن عازب و زید بن أرقم هر یک از پیامبر صلی الله علیه و سلم ، روایت کرده‌اند که پیامبر (ص) در روز غدیر فرمود : « من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من واهه و عاد من عاداه » .

تلمسانی نیز تعدادی از صحابه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، را برمی‌شمرد که این روایت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، شنیده و روایت نموده‌اند .

و روی بُریده بن المصیب و أبو هريرة و البراء بن عازب و زید بن أرقم و جابر بن عبد الله الأنصاری كلُّ واحد عن النبي صلى

الله عليه و سلم أنه قال يوم غدیر فم: « من كنت مولاه فعلى مولاه اللهمَّ وال من والاه وعاد من عاداه »

الجوهرة في نسب النبي وأصحابه العشرة، محمد بن أبي بكر الانصاري التلمساني المعروف بالبري، (المتوفى: 644هـ)، ج 1، ص 293

و بُریده بن المصیب و أبو هريرة و براء بن عازب و زید بن أرقم و جابر بن عبد الله أنصاری، هر یک از پیامبر صلی الله علیه و

سلم، روایت کردند که در روز غدیر فم فرمود: « من كنت مولاه فعلى مولاه اللهمَّ وال من والاه وعاد من عاداه »

آیا می‌توان تصور کرد که این تعداد از صحابه همگی دروغگو بوده‌اند؟

### علمای طراز اول اهل سنت و « اللهم وال من والاه ... »

در ادامه، نگاه علمای طراز اول اهل سنت را در قبال « اللهم وال من والاه وعاد من عاداه » طرح کرده و در دو بخش علمای قبل از ابن

تیمیه و علمای بعد از ابن تیمیه آن را بررسی می‌کنیم:

### علمای قبل از ابن تیمیه:

اکنون به بررسی کتب دانشمندانی می‌پردازیم که همگی قبل از ابن تیمیه زندگی می‌کرده‌اند و همگی از بزرگان اهل سنت بوده‌اند؟ آیا

می‌توان تصور کرد که ابن تیمیه این کتاب‌ها و نظرات آنان را ندیده باشد؟

این علما نسبت به « اللهم وال من والاه و عاد من عاداه ... » سه اقدام مهم و اساسی نموده‌اند:

### 1- نقل این جمله در کتاب‌های معتبر خود:

بسیاری از علمای طراز اول اهل سنت که قبل از زمان ابن تیمیه می‌زیسته‌اند حدیث غدیر را به همراه « اللهم وال من والاه ... » قرن به

قرن و سینه به سینه از مشایخشان نقل در کتاب‌های خود منعکس کرده‌اند در زیر به پانزده مورد آن اشاره می‌کنیم:

1. ابن ابی شیبہ، استاد بخاری (متوفای 235هـ)

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، ج 2، ص 682، ج 6، ص 368، ح 32091، دار النشر:

مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت

2. احمد بن حنبل امام حنبلی‌ها (متوفای 241هـ) در دو کتاب مسند احمد و فضائل الصحابة‌اش؛

مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، ج 1، ص 118، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر

فضائل الصحابة، أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، ج 2، ص 610، ج 2، ص 682، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1403 - 1983،

الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس

3. ابن ماجه قزوینی متوفای (متوفای 275هـ) در سنن‌اش که یکی از صحاح سته اهل سنت است  
سنن ابن ماجه ، محمد بن یزید أبو عبدالله القزوینی ج 1 ، ص 43، دار النشر : دار الفكر - بیروت ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي
4. ابوبکر بزار (متوفای 292هـ) در مسندش؛  
البحر الزخار (مسند بزار) ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق البزار ، ج 10 ، ص 211 ، دار النشر : مؤسسة علوم القرآن ، مكتبة العلوم والحكم -  
بیروت ، المدينة - 1409 ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : د. محفوظ الرحمن زین الله
5. نسایی (متوفای 303هـ) در کتاب السنن الكبرى و همچنین در خصائص امیر المؤمنین علیه السلام ؛  
السنن الكبرى ، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي (متوفای 303) ، ج 5 ص 45 ، ج 5 ، ص 130 ، دار النشر :  
دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 - 1991 ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : د. عبد الغفار سليمان البنداری ، سيد كسروی حسن  
خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، أحمد بن شعيب النسائي أبو عبد الرحمن (متوفای 303) ، ج 1 ، ص 96 ، دار النشر :  
مكتبة المعلا - الكويت - 1406 ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : أحمد ميرين البلوشي
6. ابویعلی موصلی (متوفای 307هـ) در مسندش ؛  
مسند أبي يعلى ، أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي التميمي ، ج 1 ، ص 428 و ج 11 ، ص 307 ، نشر : دار المأمون للتراث - دمشق -  
1404 - 1984 ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : حسين سليم أسد
7. طحاوی (متوفای 321هـ) : در کتاب شرح مشکل الآثار ؛  
شرح مشکل الآثار ، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوی ج 5 ، ص 18 و 19 ، ناشر : مؤسسة الرسالة - لبنان / بیروت - 1408هـ - 1987م ،  
الطبعة : الأولى ، تحقیق : شعيب الأرناؤوط
8. ابن حبان (متوفای 354هـ) در صحیح خود ؛  
صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان ، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي (الوفاة : ) ، ج 15 ، ص 375 ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بیروت -  
1414 - 1993 ، الطبعة : الثانية ، تحقیق : شعيب الأرناؤوط
9. طبرانی (متوفای 360هـ) در المعجم الكبير و المعجم الاوسط ؛  
المعجم الكبير ، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني ، ج 5 ، ص 166 ، دار النشر : مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983 ، الطبعة :  
الثانية ، تحقیق : حمدی بن عبدالمجید السلفی
10. حاکم نیشابوری (متوفای 405هـ) در المستدرک ؛  
المستدرک علی الصحیحین ، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیشابوری ، ج 3 ، ص 118 ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411هـ -  
1990م ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : مصطفى عبد القادر عطا
11. ثعلبی (متوفای 427هـ) در تفسیرش ؛  
الكشف والبيان (تفسیر الثعلبی) ، أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي النيسابوري ، ج 4 ، ص 126 ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي -  
بیروت - لبنان - 1422هـ - 2002م ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : الإمام أبي محمد بن عاشور ، مراجعة وتدقيق الأستاذ نظير الساعدي

12 . جرجانی (متوفای 499هـ) در الامالی ؛

کتاب الامالی وهی المعروفه بالامالی الخميسيه ، المرشد بالله يحيى بن الحسين بن إسماعيل الحسنى الشجرى الجرجانى ، ج 1 ، ص 192 ، دار النشر : دار الكتب العلميه - بيروت / لبنان - 1422 هـ - 2001 م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : محمد حسن اسماعيل

13 . ابن عساکر (متوفای 571هـ) در تاريخ مدينه دمشق ؛

تاريخ مدينه دمشق و ذکر فضلها وتسميه من حلها من الامائل ، أبى القاسم على بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعى ، ج 42 ، ص 209 ، دار النشر : دار الفكر - بيروت - 1995 ، تحقيق : محب الدين أبى سعيد عمر بن غرامه العمرى

14 . ابن أثير جزرى (متوفای 630هـ) در اسدالغابه ؛

أسد الغابه فى معرفه الصحابه ، عز الدين بن الأثير أبى الحسن على بن محمد الجزرى ، ج 3 ، ص 484 دار النشر : دار إحياء التراث العربى - بيروت / لبنان - 1417 هـ - 1996 م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عادل أحمد الرفاعى

15 . مقدسى (متوفای 643هـ) در الأحاديث المختاره

الأحاديث المختاره ، أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد الحنبلى المقدسى ، ج 2 ، ص 106 ، ناشر : مكتبة النهضة الحديثه - مكة المكرمة - 1410 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الملك بن عبد الله بن دهيش

## 2- اختصاص بابى مستقل به اين جمله از روايت غدیر :

اقدام اساسى دوم اين بوده كه عدهاى از همين علماء ، سالها و بلکه قرن ها قبل از به دنيا آمدن ابن تيميه ، بابى مستقل در مورد اين دعای رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم ، « اللهم وال من والاه و عاد من عاداه . . . » در مورد امير المؤمنين عليه السلام ، در كتب خود ، گشوده و روايات مربوط به آن را در ذيلش جمع آورى نموده اند به عنوان مثال ، دو مورد را متذكر مى شويم :

**الف : ابن حبان (متوفای 354هـ) عالم معروف اهل سنت :**

**ذکر دعاء المصطفى (ص) بالولاية لمن والى و المعاداة لمن عاداه :**

أَفْبَرْنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مُمَمِّدٍ الْأَزْدِيُّ مَدَّتْنَا إِسْمَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَفْبَرْنَا أَبُو نَعِيمٍ وَيَمِيَّ بْنَ آدَمَ قَالَ مَدَّتْنَا فِطْرُ بْنُ خَلِيفَةَ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ أَنْشَدُ اللَّهَ كُلَّ امْرِئٍ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرٍ فَمَنْ لَمَّا قَامَ فَقَامَ أَنَسٌ فَشَهِدُوا أَنَّهُمْ سَمِعُوهُ يَقُولُ أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنِّي أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ هَذَا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالْ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ فَمَزَجْتُ وَ فِي نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَلَقِيتُ زَيْدَ بْنَ أَرْقَمَ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهُ فَقَالَ قَدْ سَمِعْتَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ يَقُولُ ذَلِكَ لَهُ .

صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان ، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي (متوفای 354 ) ، ج 15 ، ص 375 ، ناشر : مؤسسه الرساله - بيروت - 1414 - 1993 ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : شعيب الأرنؤوط

ذکر دعای مضرت مصطفی(ص) به دوستی کسی که علی را دوست بدارد و دشمنی کسی که با علی دشمن باشد :

... أبوظفیل گفت : علی (علیه السلام) فرمود : هرکسی را که روز غدیر خم سفنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

آنگاه که ایستاده بود ، شنیده است ، سوگند می‌دهم (که آنچه شنیده شهادت دهد) گروهی در مجلس برخواستند و

شهادت دادند که شنیدند که پیامبر می‌فرمود : « ای مسلمانان آیا نمی‌دانید که من (به مکم قرآن) از مومنین به

خودشان سزاوارتر و مقدم هستم » مسلمانان گفتند : آری ای رسول خدا ! پیامبر فرمود : « هرکه من مولای اویم ، این

(علی علیه السلام) ، مولای اوست باز خدا دوست بدار هرکس را که علی را دوست دارد ، و دشمن بدار هر کس را که

دشمن اوست » (ابوظفیل می‌گوید) : از مجلس علی خارج شدم در حالی این سفنان پیامبر (ص) برایم گران آمده بود ، بعد

از آن زید بن ارقم (صمابی) را دیدم و جریان را برای او بازگو کردم و او گفت : ما از رسول خدا شنیدیم که آن را در مورد

علی (علیه السلام) می‌فرمود .

ب : ابوبکر آجری (متوفای 360 هـ) :

باب ذکر دعاء النبی لمن والی علی بن ابی طالب رضی الله عنه و تولاه و دعائه علی من عاداه :

مدثنا أبو محمد عبد الله بن العباس الطیالسی ، قال : مدثنا محمد بن موسی المرثی ، قال : مدثنا عثمان بن علی قال :

مدثنا عبد الملك بن أبی سلیمان ، عن عطیة ، عن زید بن ارقم قال : قال رسول الله : « من كنت مولاه فعلى مواه ،

اللهم وال من والاه ، وعاد من عاداه » .

الشریعة ، أبی بكر محمد بن الحسین الآجری (متوفای 360 هـ) ، ج 4 ، ص 2049 ، ناشر : دار الوطن - الرياض / السعودية - 1420 هـ - 1999 م ،

الطبعة : الثانية ، تحقیق : الدكتور عبد الله بن عمر بن سلیمان الدمیجی

باب ذکر دعای پیامبر (ص) نسبت به کسی که علی بن ابی طالب رضی الله عنه را دوست دارد و نفرین پیامبر در مورد کسی

که با او دشمنی دارد :

... زید بن ارقم (صمابی) گفت : رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند :

« من كنت مولاه فعلى مواه ، اللهم وال من والاه ، وعاد من عاداه » .

### 3- اعتراف به صحت سند آن :

بسیاری از خود علمای قبل از ابن تیمیه نیز به صحیح و معتبر بودن روایاتشان تصریح کرده‌اند و بعضی از روایات آنان را نیز دیگران صحیح و معتبر معرفی نموده‌اند که به عنوان نمونه به ذکر سه مورد اکتفاء می‌کنیم :

**الف : ابو جعفر طحاوی (متوفای 321هـ) :**

او کسی است که ذهبی در باره او می‌گوید :

**الإمام العلامة المافظ الكبير ممدت الديار المصرية و فقيهاها** أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن سلمة بن عبد الملك

الأزدی المجری المصری الطحاوی المنفی صامب التصانيف . . .

سير أعلام النبلاء ، محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله الوفاء: 748 ، ج 15 ، ص 27، دار النشر : مؤسسۀ الرسالة - بیروت - 1413

، الطبعة : التاسعة ، تحقیق : شعيب الأرناؤوط ، محمد نعيم العرقسوسی

امام ، علامه ، مافظ بزرگ ، ممدت و فقیه کشور مصر ، ابو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن سلمة بن عبد الملك أزدی

مجری مصری طحاوی منفی صامب تالیفات . . .

طحاوی می‌نویسد :

كما مدتنا أَمَدُ بن شُعَيْبٍ قال أَمْرنا ممد بن المثنى قال مدتنا يمي بن مَمَادٍ قال مدتنا أبو عَوَانَةَ عن سُلَيْمَانَ يَحْنِي

الأعمش قال مدتنا مَيْبُ بن أَبِي تَابِتٍ عن أَبِي الطُّفَيْلِ عن زَيْدِ بن أَرْقَمَ قال لَمَّا رَجَعَ رسول الله صلى الله عليه وسلم عن

مَبَةِ الْوَدَاعِ وَ نَزَلَ بِغَدِيرِ فُجٍّ ، أَمَرَ بِدَوَاهَاتِ فَعَمَّمَنَ ثُمَّ قَالَ كَأَنِّي دُعِيتُ فَأَجَبْتُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ التَّقْلِينَ أَمَدُهُمَا أَكْبَرُ

من الآفِرِ كَتَبَ اللهُ عز وجل وَ عَتَرْتِي أَهْلَ بَيْتِي فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا فَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا مَتَى يَرِدَا عَلَى الْمَوْضِ ثُمَّ

قال : « إِنَّ اللَّهَ عز وجل مَوْلَايَ وَ أَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ » ثُمَّ أَفَذَّ بِيَدِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فقال : « من كنت وليه فهذا وليه **اللهم**

**وَالِ من وَالاهَ وَ عادِ من عَاداهُ** » فقلت لَزَيْدٍ سَمِعْتُهُ من رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال : ما كان في الدَّوَاهَاتِ أَمَدٌ

إِلَّا رَأاهُ بِعَيْنَيْهِ وَ سَمِعَهُ بِأُذُنَيْهِ .

قال أبو جَعْفَرٍ : **فَهَذَا الْمَدِيثُ ، صَمِيحُ الْإِسْنَادِ لَا طَعْنَ لَأَمَدٍ فِي أَمَدٍ من رُؤَاتِهِ فِيهِ**

شرح مشكل الآثار ، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوی (متوفای 321هـ) ، ج 5 ، ص 18 و 19 ، ناشر : مؤسسۀ الرسالة - لبنان/ بیروت -

1408هـ - 1987م ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : شعيب الأرناؤوط

. . . زيد بن ارقم گفت : وقتی رسول خدا صلى الله عليه وسلم از مَبَةِ الْوَدَاعِ ( آفرین هج ) برگشتند و وارد غدیر خم شدند ،



اصصاب مضرت به دستور ایشان از تنه درفتان سکوی بنا کردند مضرت بر بالای آن رفته و فرمودند : « زمان رحلت من نزدیک شده ، من شما را ترک فوادم کرد در حالی که دو پیژ پر ارزش در میان شما باقی می‌گذارم که یکی از دیگری برتر است ، کتاب فدای عز و جلّ و عترتم اهل بیتم ، دقت کنید بعد از من با این دو چه فوادم کرد ، این دو هرگز از هم جدایی ندارند تا سرانجام در کنار موض کوثر ، نزد من آیند سپس پیامبر فرمود : « فداوند عز و جل مولای من و من مولای هر مومنی هستم » سپس دست علی را گرفتند و فرمودند : « هرکس که من مولای اویم ، این (علی) مولای او است ، بار فدایا دوست بدار هرکه را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد » (ابوطفیل می‌گوید) : به زید بن ارقم گفتم : از رسول خدا صلی الله علیه و سلم شنیدی؟ گفت : هر کسی که آنجا آن را با چشم خودش دید و با گوش‌های خودش شنید .

ابوجعفر گفت : این حدیث ، حدیث صمیغ الاسنادی است که امدی مق طعن زدن به امدی از راویان آن را ندارد .

## ب : حاکم نیشابوری (متوفای 405 هـ) :

مدثنا أبو المسین ممد بن أمد بن تمیم المنظلی بیخداد ثنا أبو قلابه عبد الملك بن ممد الرقاشی ثنا یمی بن ممد ومدثنی أبو بکر ممد بن بالویه وأبو بکر أمد بن جعفر البزار قالا ثنا عبد الله بن أمد بن منبل مدثنی أبی ثنا یمی بن ممد وثنا أبو نصر أمد بن سهل الفقیه ببفاری ثنا صالح بن ممد المافظ البغدادی ثنا فلف بن سالم المخرمی ثنا یمی بن ممد وثنا أبو عوانة عن سلیمان الأعمش قال ثنا مبیب بن أبی ثابت عن أبی الطفیل عن زید بن أرقم رضی الله عنه قال : لما رجع رسول الله صلی الله علیه و سلم من مجة الوداع و نزل غدیر خم أمر بدومات فقمن فقال : « کأنی قد دعیت فأجبت إنی قد ترکت فیکم الثقلین أمدھما أكبر من الآخر کتاب الله تعالی و عترتی فانظروا کیف تفلنون فیھما فإنھما لن یتفرقا متى یردا علی الموض » ثم قال : « إن الله عز وجل مولای و أنا مولی کل مؤمن ثم أخذ بید علی رضی الله عنه فقال من كنت مولاه فهذا ولیه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه » و ذکر الحدیث بطوله هذا حدیث صمیغ علی شرط

الشیفین و لم یخرجاه بطوله شاهده حدیث سلمة بن كهیل عن أبی الطفیل أيضا صمیغ علی شرطهما .

المستدرک علی الصحیحین ، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری (متوفای 405 هـ) ، ج 3 ، ص 118 ، ناشر : دار الکتب

العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا

زید بن ارقم گفت : وقتی رسول خدا صلی الله علیه و سلم از مجة الوداع ( آخرین حج ) برگشتند و وارد غدیر خم شدند ، اصصاب مضرت به دستور ایشان از تنه درفتان سکوی بنا کردند مضرت بر بالای آن رفته و فرمودند : « زمان رحلت من

نزدیک شده ، من شما را ترک فوادم کرد در حالی که دو چیز پر ارزش در میان شما باقی می‌گذارم که یکی از دیگری برتر است ، کتاب فدای عز و جلّ و عترتم اهل بیتم ، دقت کنید بعد از من با این دو چه فواید کرد ، این دو هرگز از هم جدایی ندارند تا سرانجام در کنار موص کوثر ، نزد من آیند سپس پیامبر فرمودند : « فداوند عز و جل مولای من و من مولای هر مومنی هستم » سپس دست علی را گرفتند و فرمودند : « هرکس که من مولای اویم ، این (علی) مولای او است ، **بار فدایا دوست بدار هرکه را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد** » (ابوظیفیل می‌گوید) : به زید بن ارقم گفتم : از رسول خدا صلی الله علیه و سلم شنیدی؟ گفت : هر کسی که آنجا آن را با پیشم فودش دید و با گوش‌های فودش شنید .

این حدیث طبق شرط بفاری و مسلم (در پذیرش روایت) ، صمیم است ولی در دو کتاب فود (صمیم بفاری و صمیم مسلم) آن را ذکر نکرده‌اند ، شاهد آن حدیث سلمه بن کهیل از ابوظیفیل است که آن هم طبق شرط بفاری و مسلم صمیم است .

**ج : ابوظاهر مقدسی (متوفای 643هـ) :**

أفبرنا المافظ أبو طاهر أحمد بن محمد بن أحمد السلفی إجازة قال أنا أبو الفتح محمد بن أحمد بن محمد بن المسین بن المارث المعلم فیما قرأت علیه من أصل سماعه مدثکم أبو عبدالله المسین بن أحمد بن محمد بن سعید الرازی إملاء ثنا أبو المسن علی بن مسان بن القاسم البدیلی ببغداد ثنا أبو جعفر محمد بن عبدالله بن سلیمان المضمی ثنا مرمود بن غیلان ثنا الفضل بن موسی السینانی ثنا الأعمش عن سعید بن وهب قال قال علی رضی الله عنه أنشد الله من سمع رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول یوم غدیر فم : « الله ولی و أنا ولی المؤمنین من کنت مولاه فعلى مولاه **اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره** » قال فقال سعید فقام إلى جنبی سته قال فقال زید بن یثیع قام من عندی سته سئل الدارقطنی عنه فقال مدث به الأعمش و شعبه و إسرائيل عن أبی إسحاق عن سعید بن وهب عن علی و ذکر ما فیه من الافتلاف قال و أشبهها بالصواب قول الأعمش و شعبه و إسرائيل و من تابعهم و قد روی نمو هذا عن عبدالرمن بن أبی لیلی عن علی علیه السلام . **(إسناده صمیم)**

الأحادیث المختارة ، أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد الحنبلی المقدسی الوفاة: 643 ، ج 2 ، ص 106 ، ناشر : مكتبة النهضة الحديثة - مكة المكرمة - 1410 ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : عبد الملك بن عبد الله بن دهیش

... اعمش از سعید بن وهب از علی (علیه السلام) نقل کرد که فرمود : کسانی را که روز غدیر فم سفنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را شنیده که فرمود : « فداوند ، ولی من و من ولی مومنینم و هرکس که من مولای اویم ، علی

مولای اوست ، بار فدایا دوست بدار هرکس را که علی را دوست دارد و دشمن باش با هر کس که علی را دشمن دارد و یاور کسی باش که او را یاری کند ، سوگند می‌دهم (که آنچه شنیده شهادت دهد) سعید بن وهب گفت : از کنار من ، شش نفر برخواستند ( و شهادت دادند ) و زید بن یثیع هم گفت : از کنار من شش نفر برخواستند . . .

اسناد این حدیث صحیح است .

و به مدثنا عبدالله بن أمد ثنا علی بن مکیم الأودی أنا شریک عن أبي إسحاق عن سعيد بن وهب و عن زید بن یثیع قالاً نشد علیّ فی الرمیة من سمع رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول يوم غدیر فم إلا قام قال فقام من قبل سعید ستاً و من قبل زید ستاً فشهدوا أنهم سمعوا رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول لعلى يوم غدیر فم : « ایس الله اولی بالمؤمنین » قالوا بلی قال : « اللهم من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه » . ( اسناد مسن )

الأحادیث المختارة ، أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد الحنبلی المقدسی الوفاة: 643 ، ج 2 ، ص 105 ، ناشر : مكتبة النهضة الحديثة - مكة المكرمة - 1410 ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : عبد الملك بن عبد الله بن دهبش

سعید بن وهب و زید بن یثیع نقل کردند که علی ( علیه السلام ) در ضمن مسجد کسانی را که در روز غدیر فم سفنان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم را شنیدند ، سوگند داد ابی اسحاق گفت : از سمتی که سعید بن وهب نشستند بود ، شش نفر برخواستند و از سمتی که زید بن یثیع نشستند بود نیز شش نفر برخواستند ، و همگی شهادت دادند که روز غدیر فم از رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ، شنیدند که در مورد علی(علیه السلام ) می‌فرمود : « آیا من از مومنین به خودشان ، اولی نیستم ؟ » همه گفتند : آری رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم فرمود : فدایا هر کس که من مولای اویم ، علی مولای اوست بارفدایا دوست بدار هر کس را که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد »

اسناد این حدیث مسن است .

أقبرنا عبدالله بن أمد المرّبی بها أن أبا القاسم هبة الله بن المصین أفرهم قراءةً علیه أنا أبو علی بن المذهب أنا أبو بكر القطیعی ثنا عبدالله بن أمد مدثنی أبی ثنا مسین بن ممد و أبو نعیم المعنی قثنا فطر عن أبی الطفیل قال جمع علی بن أبی طالب رضی الله عنه الناس فی الرمیة ثم قال أنشد بالله كل امرئ مسلم سمع رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول يوم غدیر فم ما قال فقام إليه بعض الناس - قال أبو نعیم فقام ناس كثير - فشهدوا مین أمد بیده فقال للناس :

« أتعلمون أنى اولی بالمؤمنین من أنفسهم » قالوا نعم یا رسول الله قال : « من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه » قال : فخرجت كأن فی نفسی شیئاً فلقيت زید بن أرقم فقلت له إني سمعت عليا يقول كذا وكذا

قال : فما تنكر قد سمعت رسول الله يقول ذلك له × رواه أبو ماتم البستي عن عبدالله الأزدي عن إسماعيل بن إبراهيم عن

أبي نعيم ويحيى بن آدم عن فطر بن خليفة بنموه (إسناده مسن) .

الأحاديث المختارة ، أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد الحنبلي المقدسي الوفاة: 643 ، ج 2 ، ص 173 ، ناشر : مكتبة النهضة الحديثة - مكة المكرمة - 1410 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الملك بن عبد الله بن دهيش

ابو طفيل نقل می‌کند که علی (علیه السلام) مردم را در ضمن مسجد جمع کرد و فرمود : هر مسلمانی را که در روز غدیر

فیم ، سفنان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را شنید ، سوگند می‌دهم ، بعضی از مردم - ابو نعیم گفت : بسیاری

از مردم - برفواسته و شهادت دادند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ، هنگامی که دست علی (علیه السلام) را

گرفتند ، قطاب به مردم فرمودند : « آیا من از مومنین به خودشان ، اولی نیستم ؟ » همه گفتند : آری ای رسول الله

فرمود : هر کس که من مولای اویم ، علی مولای اوست بازفدایا دوست بدار هر کس را که او را دوست دارد و دشمن بدار

هر کس که او را دشمن دارد » ابوظفیل می‌گوید : از آن مجلس خارج شدم در حالی این سخنان پیامبر (ص) برایم گران

آمده بود ، بعد از آن زید بن ارقم (صمابی) را دیدم و گفتم : از علی شنیدم که چنین و چنان می‌گفت ، زید بن ارقم گفت :

انکارش نکن من خود از رسول خدا شنیدم که آن را در مورد علی (علیه السلام) می‌فرمود . . .

اسناد این حدیث مسن است .

## علمای بعد از ابن تیمیه :

در ادامه ، اقدامات بسیاری از علمای طراز اول اهل سنت را که همگی یا با ابن تیمیه هم عصر بوده و یا بعد از ابن تیمیه‌اند می‌زیسته‌اند ،

کسانی که با این ادعای ابن تیمیه آشنا بودند (یعنی از اواسط قرن هشتم به بعد) را بررسی می‌کنیم .

این علمای اهل سنت نیز سه اقدام اساسی در مورد « اللهم وال من والاه و عاد من عاداه . . . » انجام داده‌اند :

### 1- نقل احادیث علمای قبل از ابن تیمیه :

در این اقدام ، علمای متاخر از ابن تیمیه ، همان احادیث موجود در کتب معتبر اهل سنت را که قبل از ابن تیمیه تدوین شده را ، در کتب

خود نقل نموده‌اند از جمله :

1 . مزی رجالی سرشناس اهل سنت (متوفای: 742 هـ) در تهذیب الکمال

تهذیب الکمال ، یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزی ، ج 11 ، ص 90 و ج 11 ، ص 100 ، دار النشر : مؤسسة الرسالة - بیروت - 1400 -

1980 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. بشار عواد معروف

2. ذهبی (متوفای: 748هـ) در تاریخ الاسلام :

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی ، ج 3 ، ص 631 ، دار النشر : دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت - 1407هـ - 1987م ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : د. عمر عبد السلام تدمری

3. زیلعی (متوفای 762هـ) در التخریج :

تخریج الأحادیث والآثار الواقعة فی تفسیر الکشاف للزمخشری ، جمال الدین عبد الله بن یوسف بن محمد الزیلعی ، ج 2 ، ص 234 ، دار النشر : دار ابن خزیمة - الرياض - 1414هـ ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : عبد الله بن عبد الرحمن السعد

4. یافعی (متوفای 768هـ) در مرآة الجنان :

مرآة الجنان وعبرة الیقظان ، أبو محمد عبد الله بن أسعد بن علی بن سلیمان یافعی ، ج 1 ، ص 109 ، دار النشر : دار الكتاب الإسلامی - القاهرة - 1413هـ - 1993م.

5. ابن کثیر دمشقی (متوفای 774هـ) در السیرة النبویة و البدایة و النهایة :

السیرة النبویة لابن کثیر ، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی الدمشقی الوفاة: 774 ، ج 4 ، ص 416 ، البدایة والنهایة ، إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء الوفاة: 774 ، ج 5 ، ص 209 ، دار النشر : مكتبة المعارف - بیروت

6. ابن ابی بکر هیثمی (متوفای 807هـ) در مجمع الزوائد :

مجمع الزوائد مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، علی بن أبی بکر الهیثمی ج 9 ، ص 107 ، ناشر : دار الریان للتراث/ دار الكتاب العربی - القاهرة ، بیروت - 1407

7. ابن ابی بکر (متوفای 807هـ) در موارد الضمآن :

موارد الضمآن إلى زوائد ابن حبان ، علی بن أبی بکر الهیثمی أبو الحسن ، ج 1 ، ص 544 ، دار النشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، تحقیق : محمد عبد الرزاق حمزة

8. ابن حجر عسقلانی (متوفای 852هـ) در کتاب المطالب العالیة :

المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیة ، أحمد بن علی بن حجر العسقلانی ، ج 16 ، ص 97 ، دار النشر : دار العاصمة / دار الغیث - السعودیة - 1419هـ ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : د. سعد بن ناصر بن عبد العزیز الشتری

9. ثعالبی (متوفای 875هـ) در تفسیر خود :

الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن ، عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف الثعالبی ، ج 4 ، ص 92 ، دار النشر : مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بیروت

10. سیوطی (متوفای 911هـ) در تفسیر درالمنثور و جامع الاحادیث و همچنین در کتاب تاریخ الخلفاء خود :

الدر المنثور ، عبد الرحمن بن الکنال جلال الدین السیوطی الوفاة: 911 ، ج 3 ، ص 105 ، دار النشر : دار الفکر - بیروت - 1993 .

جامع الاحادیث (الجامع الصغیر وزوائده والجامع الکبیر) ، الحافظ جلال الدین عبد الرحمن السیوطی ج 5 ، ص 400 و ج 16 ، ص 272 .

تاریخ الخلفاء ، عبد الرحمن بن أبی بکر السیوطی ، ج 1 ، ص 169 ، دار النشر : مطبعة السعادة - مصر - 1371هـ - 1952م ، الطبعة : الأولى ،

تحقیق : محمد محی الدین عبد الحمید

11 . ابن حجر هیثمی (متوفای 973هـ) در الصواعق المحرقة :

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقه ، أبو العباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر الهیثمی ، ج 1 ، ص 106 و ص 107 و ج 2 ، ص 355 ، دار النشر : مؤسسه الرساله - لبنان - 1417هـ - 1997م ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط

12 . متقی هندی (متوفای 975هـ) در کنز العمال :

کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال ، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی ج 5 ، ص 114 ، دار النشر :

دار الکتب العلمیه - بیروت - 1419هـ - 1998م ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : محمود عمر الدمیاطی .

13 . حلبی (متوفای 1044هـ) در السیره الحلبیه :

السیره الحلبیه فی سیره الأمين المأمون ، علی بن برهان الدین حلبی الوفاة: ج 3 ، ص 336 ، دار النشر : دار المعرفه - بیروت - 1400

14 . عاصمی (متوفای 1111هـ) در کتاب سمط النجوم :

سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی ، عبد الملك بن حسین بن عبد الملك الشافعی العاصمی المکی ، ج 3 ، ص 36 ،

دار النشر : دار الکتب العلمیه - بیروت - 1419هـ - 1998م ، تحقیق : عادل أحمد عبد الموجود - علی محمد معوض .

15 . عجلونی (متوفای 1162هـ) در کتاب كشف الخفاء

كشف الخفاء ومزيل الإلباس عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس ، إسماعیل بن محمد العجلونی الجراحی الوفاة: ج 2 ، ص 361 ،

دار النشر : مؤسسه الرساله - بیروت - 1405 ، الطبعة : الرابعة ، تحقیق : أحمد القلاش .

16 . آلوسی (متوفای 1270هـ) در روح المعانی :

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی ، العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود آلوسی البغدادی ، ج 6 ، ص 195 ،

دار النشر : دار إحياء التراث العربی - بیروت .

## 2- تصحيح و تحسين سند روايات :

اقدام دوم اساسی که بسیاری از علمای اهل سنت بعد از ابن تیمیه انجام دادند ، اعتراف به متواتر بودن « اللهم وال من والاه . . . » و یا قوی الاسناد بودن آن و یا صحیح بودن بعضی و حسن بودن بعضی دیگر ، نمودند که در زیر به چند نمونه از این اقدام اکتفاء می کنیم :

**الف : ذهبی ، هم دوره ی ابن تیمیه (متوفای 747هـ) :**

و قد روى النسائي فى سننه ، عن ميمم بن المثني عن يميى بن ميمم عن أبى معاوية ، عن الاعمش ، عن ميبب بن أبى

ثابت ، عن أبى الطفيل ، عن زيد بن أرقم ، قال : لما رجع رسول الله من مبة الوداع و نزل غدیر فم أمر بدومات فقممن

ثم قال : « كأنى قد دعيت فأجبت إنى قد تركت فيكم الثقلين : كتاب الله و عترتى أهل بيتى ، فانظروا كيف تفلونى

فِيهِمَا فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا مَتَى يَرِدَا عَلَى الْمَوْضِ « ثُمَّ قَالَ: « اللَّهُ مَوْلَايَ وَ أَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ » ثُمَّ ثُمَّ أَفْذَى بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: « مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ اللَّهُ وَاللَّهُمَّ وَالِّ مِنْ وَالَاهِ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ » فَقُلْتُ لَزِيدٍ: سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَقَالَ: مَا كَانَ فِي الدُّمُومَاتِ أَمْدٌ إِلَّا رَأَاهُ بَعِينِيهِ وَ سَمِعْتَهُ بِأَذْنِيهِ .

**قال شيخنا أبو عبد الله الذهبي: و هذا حديث صحيح .**

السيرة النبوية لابن كثير ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي (المتوفى: 774هـ) الوفاة: 774 ، ج 4 ، ص 416 ، البداية والنهاية ، إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء الوفاة: 774 ، ج 5 ، ص 209 ، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت .

... ابو طفيل از زيد بن ارقم نقل كرد كه زيد گفت : وقتی رسول خدا صلى الله عليه و سلم از مکه الوداع ( آخرين حج ) برگشتند و وارد غدیر خم شدند ، اصحاب حضرت به دستور ایشان از تنه درختان سکوی بنا کردند حضرت بر بالای آن رفته و فرمودند : « زمان رحلت من نزدیک شده ، من شما را ترک فواهم کرد در مالی که دو چیز پر ارزش در میان شما باقی می‌گذارد که یکی از دیگری برتر است ، کتاب فدای عز و جل و عترتم اهل بیتم ، دقت کنید بعد از من با این دو چه فواید کرد ، این دو هرگز از هم جدایی ندارند تا سرانجام در کنار موض کوثر ، نزد من آیند سپس پیامبر فرمودند : « فداوند عز و جل مولای من و من مولای هر مومنی هستم » سپس دست علی را گرفتند و فرمودند : « هرکس که من مولای اویم ، این (علی) مولای او است ، بار فدایا دوست بدار هر که را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد » (ابوظفیل می‌گوید) : به زيد بن ارقم گفتم : از رسول خدا صلى الله عليه و سلم شنیدی؟ گفت : هر کس که آنجا بود ، آن را با چشم خود دیده و با گوش‌هایش شنید .

**استاد ما ذهبی گفت : این حدیث صحیحی است .**

و عن الذهبي: أن « من كنت مولاه فعلى مولاه » متواتر أتقن أن رسول الله صلى الله عليه و سلم قاله و أما « اللهم وال من والاه » فزيادة قوية الاستناد .

روح المعاني فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسى البغدادي الوفاة: 1270هـ ، ج 6 ، ص 195 ناشر : دار إحياء التراث العربى - بيروت

و از ذهبی نقل شده كه گفت : عبارت « من كنت مولاه فعلى مولاه » متواتر و یقین دارم كه رسول الله صلى الله عليه و سلم ، آن را فرموده است و اما « اللهم وال من والاه » ، (كه در دنباله‌ی آن آمده ) اضافه‌ی قوی الاستنادی است .

**ب : ابن كثير دمشقى سلفى (متوفای 774هـ)**

و قال النسائي في كتاب " فضائل علي " : مدتنا المسين بن مرب ، مدتنا الفضل بن موسى ، عن الاعمش ، عن أبي إسحاق ، عن سعيد بن وهب ، قال : قال علي في الرمية : أنشد بالله رجلا سمع رسول الله يوم غدیر فم يقول : « إن الله ولي المؤمنين و من كنت وليه فهذا وليه ، اللهم وال من والاه ، و عاد من عاداه و انصر من نصره » و كذلك رواه شعبه عن أبي إسحاق و هذا إسناد جيد .

السيرة النبوية لابن كثير ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي (المتوفى : 774هـ) ، ج 4 ، ص 419

سعيد بن وهب نقل کرده است که علی ( علیه السلام ) در ضمن مسجد فرمود :

سوگند می‌دهم کسانی را که در روز غدیر فم سفنان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را شنیدند که می‌فرمود : «

براستی که خداوند ، ولی مومنین است و هر کس که من مولای اویم ، این (علی) مولای اوست بار خدایا دوست بدار هر که

را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد » و همچنین این حدیث را شعبه از ابواسحاق ، روایت

کرده است و این سندی ، نیکو است .

### ج : هیثمی از اعلام قرن نهم اهل سنت (متوفای 807هـ)

باب قوله صلی الله علیه و سلم : « من كنت مولاه فعلى مولاه » :

عن رباع بن المارث قال جاء رهط إلى عليّ بالرمية قالوا السلام عليك يا مولانا فقال : كيف أكون مولاكم و أنتم قوم عرب

قالوا سمعنا رسول الله يوم غدیر فم يقول : « من كنت مولاه فهذا مولاه » قال رباع : فلما مضوا تبعتم فقلت من

هؤلاء قالوا نفر من الأنصار فيهم أبو أيوب الأنصاري ، رواه أحمد و الطبراني إلا أنه قال قالوا سمعنا رسول الله يقول : « من

كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » و هذا أبو أيوب بيننا فمسر أبو أيوب العمامة عن وجهه ثم

قال سمعت رسول الله يقول : « من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » و رجال أحمد ثقات .

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، علي بن أبي بكر الهيثمي (متوفای 807) ، ج 9 ، ص 103 ، ناشر : دار الريان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة ،

بيروت - 1407

باب قول پیامبر صلی الله علیه و سلم : « هر کس که من مولای اویم ، علی مولای اوست » :

رباع نقل کرده که گروهی در ضمن مسجد به نزد علی علیه السلام آمده و عرض کردند : سلام بر تو ای مولای ما ، علی علیه

السلام فرمود : من چگونه مولای شما هستم در حالی که شما گروهی عرب هستید؟ گفتند : در روز غدیر از رسول خدا

شنیدیم که می‌فرمود : « هر کس که من مولای اویم ، علی مولای اوست » رباع گفت : وقتی آنها رفتند ، تعقیبشان



کردم ( و از چند نفر پرسیدم ) این‌ها که هستند ؟ گفتند : گروهی از انصارند که در میانشان ابویوب انصاری است . این حدیث را احمد بن منبلی و طبرانی ، روایت کرده‌اند با این تفاوت که آن گروه گفتند : از رسول خدا شنیدیم که می‌فرمود :

« هر کس که من مولای اویم ، علی مولای اوست ، بار فدایا دوست بدار هر که را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد » و این ابویوب است در حالی که عمامه‌اش را از پهره‌اش برداشت ، گفت : از رسول خدا شنیدیم که می‌فرمود : « هر کس که من مولای اویم ، علی مولای اوست ، بار فدایا دوست بدار هر که را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد » و راویان احمد بن منبلی ، موثق‌اند .

و عن عمرو بن ذی مر و سعید بن وهب و عن زید بن بئیع قالوا سمعنا علیا یقول نشدت الله رجلا سمع رسول الله یقول یوم غدیر فم لما قام فقام ثلاثه عشر رجلا فشهدوا ان رسول الله قال : «ألسنت أولى بالمؤمنین من أنفسهم» قالوا بلی یا رسول الله قال : « فأفذ بید علی فقال : « من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و أمب من أمبه و أبغض من یبغضه و انصر من نصره و اذل من اذله » .

رواه البزار و رجاله رجال الصمیغ غیر فطر بن فلیفه و هو ثقة .

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، علی بن ابی بکر الهیثمی الوفاء: 807 ، ج 9 ، ص 104 و 105 ، ناشر : دار الریان للتراث/دار الکتب العربی - القاهرة ، بیروت - 1407

عمرو بن ذی مر و سعید بن وهب و زید بن بئیع گفتند که ما شنیدیم که علی (علیه السلام) می‌فرمود : سوگند می‌دهم کسی را که سفن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ، را در روز غدیر خم آن هنگام که ایستاده بود ، شنید بلافاصله سیزده مرد برخواستند و شهادت دادند که رسول خدا فرمود : « آیا من از مومنین به خودشان ، اولی نیستم ؟ » همه گفتند : آری ای رسول خدا ، پیامبر فرمود : « فدایا هر کس که من مولای اویم ، علی مولای اوست ، بار فدایا ! دوست بدار هر

کس که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد و دوستدار کسی باش که او را دوست دارد و کسی را مبعوض بدار که او را مبعوض دارد و یاور کسی باش که یاور اوست و فوار گردان کسی را که او را فوار گرداند »

این حدیث را بزار ، نقل کرده که راویانش همه صمیغاند به جز فطر بن فلیفه که او هم موثق است .

و عن عبدالرحمن بن ابی لیلی قال شهد علیا فی الرمبة ینشد الناس أنشد الله من سمع رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول فی یوم غدیر خم :

«من كنت مولاه فعلى مولاه» لما قام فشهد قال عبدالرحمن فقام اثنا عشر بدریا كآنى أنظر إلى أهدم عليه سراويل

فقالوا : نشهد أنا سمعنا رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول يوم غدیر فم : « ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم و

أزواجی أمهاتهم » قلنا بلی یا رسول الله قال : « فمن كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » ، رواه

**أبو يعلى و رجاله وثقوا .**

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، على بن أبى بكر الهيثمى (متوفى 807) ، ج 9 ، ص 106 ، ناشر : دار الريان للتراث/دار الكتاب العربى - القاهرة ،

بيروت - 1407

عبدالرممن بن أبى لیلی گفت : على عليه السلام را در ضمن مسجد دیدم که مردم را سوگند می‌داد و می‌فرمود : به خدا

سوگند می‌دهم کسی را که از رسول خدا در روز غدیر فم شنید در حالی که ایستاده بودند : « هر که من مولای اویم ، على

مولای اوست » عبدالرممن بن أبى لیلی گفت : دوازده نفر از صحابه‌ی پیامبر که در جنگ بدر حضور داشتند برخواستند - گویا

هم اکنون هر کدامشان را در حالی که بر سرشان رواندازی بود ، می‌نگرم - و گفتند : شهادت می‌دهیم که از رسول خدا صلى

الله عليه وسلم ، در روز غدیر فم شنیدیم که می‌فرمود : « آیا من از مومنین به خودشان ، اولی و سزاوارتر نیستم و

همسرانم مادران مومنین نمی‌باشند ؟ گفتیم : آری ای رسول خدا ، پیامبر اکرم فرمود : « فدایا هر کس که من مولای

اویم ، على مولای اوست ، بار فدایا ! دوست بدار هر کس که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد

» ، این حدیث را ابویعلی روایت کرده و تمامی راویان آن توثیق شده‌اند .

و عن زید بن أرقم قال : نشد على الناس ، أنشد الله رجلا سمع النبي صلى الله عليه و سلم يقول : « من كنت مولاه فعلى

مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » فقام اثنا عشر بدریا فشهدوا بذلك و كنت فيمن كتّم فذهب بصرى .

رواه الطبرانی فى الكبير و الأوسط خاليا من ذهب البصر و الكتمان و دعاء على و فى رواية عنده و كان على دعا على من

**كتّم و رجال الأوسط ثقات .**

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، على بن أبى بكر الهيثمى (متوفى 807) ، ج 9 ، ص 106 ، ناشر : دار الريان للتراث/دار الكتاب العربى - القاهرة ،

بيروت - 1407

زید بن ارقم گفت : على (عليه السلام) مردم را سوگند داد و فرمود : به خدا سوگند می‌دهم کسی را که از رسول خدا در روز

غدیر فم شنید که فرمود : هر که من مولای اویم ، على مولای اوست ، بار فدایا ! دوست بدار هر کس که او را دوست

دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد » بلافاصله دوازده نفر که در جنگ بدر به همراه رسول خدا صلى الله عليه و

آله و سلم ، حضور داشتند ، برخواستند ، برخواستند و به آن شهادت دادند و من از کسانی بودم که این شهادت را کتمان نمودم لذا

بینایی‌ام را از دست دادم . این روایت را طبرانی در دو کتاب المعجم الكبير و المعجم الاوسط ، روایت کرده اما از بین رفتن بینایی و کتمان زید بن ارقم و نفرین علی (علیه السلام ) در آن نیامده است البته در حدیث دیگر که طبرانی آن را روایت کرده ، علی (علیه السلام ) ، کتمان کننده را نفرین نمودند و روایت معجم الاوسط ، موثق‌اند .

و عن مېشى بن جنادة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیرقم : « اللهم من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و أعن من أعانه » ، رواه الطبرانی و رجاله وثقوا .

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، علی بن ابی بکر الهیثمی (متوفای 807) ، ج 9 ، ص 106 ، ناشر : دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة ، بیروت - 1407

مېشى بن جنادة (صمابی) گفت : روز غدیر قم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود : « هر که من مولای اویم ، علی مولای اوست ، بار فدایا ! دوست بدار هر کس که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد » این حدیث را طبرانی ، روایت کرده است و راویان آن توثیق شده‌اند .

و عن سعید بن وهب عن زید بن بثیر قال : نشد علی علیه السلام الناس فی الرمبة من سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر قم لما قام قال : فقام من قبل سعید ستة و من قبل زید سبعة فشهدوا أنهم سمعوا رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر قم لعلى : « أليس أنا أولى بالمؤمنين » قالوا : بلى قال : « اللهم من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » ، رواه عبدالله و البزار بنموه أتم منه . . . و إسنادهما مسن .

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، علی بن ابی بکر الهیثمی (متوفای 807) ، ج 9 ، ص 107 ، ناشر : دار الریان للتراث - دار الكتاب العربی - القاهرة ، بیروت - 1407

سعید بن وهب از زید بن یثیع نقل کرده است که علی (علیه السلام ) در ضمن مسجد کسانی را که در روز غدیر قم سفنان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را آن هنگام که ایستاده سفن می‌گفت ، شنیده است ، سوگند داد ، زید گفت : از سمتی که سعید بن وهب نشسته بود ، شش نفر برفواستند و از سمتی که زید بن یثیع نشسته بود نیز هفت نفر برفواستند ، و همگی شهادت دادند که روز غدیر قم از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ، شنیدند که در مورد علی (علیه السلام ) می‌فرمود : « آیا من از مومنین یه خودشان ، اولی نیستم ؟ » همه گفتند : آری رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : فدایا هر کس که من مولای اویم ، علی مولای اوست بار فدایا دوست بدار هر کس که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد »

این دو حدیث را عبدالله و بزار ، کامل‌تر از این ، روایت کرده‌اند . . . و اسناد این دو ، مسن است .

الفصل الثانی : فی فضائله رضی الله عنه و کرم الله وجهه و هی کثیرة عظيمة شهيرة متى قال أحمد : ما جاء لأمد من الفضائل ما جاء لعلی .

. . . الحدیث الرابع قال e یوم غدیر فم : « من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » الحدیث و

قد مر فی مادی عشر الشبه و أنه رواه عن النبی e ثلاثون صمابیا و أن کثیرا من طرقه صمیع أو مسن .

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة ، أبو العباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر الهيتمي الوفاة: 973هـ ، ج 2 ، ص 353 و 355 ، دار النشر : مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417هـ - 1997م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط

فصل دوم : در مورد فضائل علی رضی الله عنه و کرم الله وجهه ، که فراوان و بزرگ و مشهورند تا جایی که احمد بن منبلی (امام منبلی‌ها) گفته است : آن مقدار که در مورد علی ، فضائل روایت شده ، در مورد امدی از صمابه روایت نشده است .

حدیث چهارم (در فضائل علی علیه السلام) : ' پیامبر اکرم در روز غدیر فرمود : « هر که من مولای اویم ، این (علی علیه

السلام) ، مولای اوست بارفدایا دوست بدار هرکس را که علی را دوست دارد ، و دشمن بدار هر کس را که ، دشمن اوست »

این حدیث است و همان‌گونه که گذشت سی نفر از صمابه آن را از پیامبر اکرم ، روایت کرده‌اند .

**د : عاصمی مکی (متوفای 1111هـ) :**

. . . لفظه عند الطبرانی بسند صمیع أنه فطب بغدیر فم ثامن عشر ذی المجة مریعه من مجة الوداع تمت شجرات برع له

ما تمتها بعد صلاة الظهر فقال : « أيها الناس إنه قد نبأني اللطيف الفبير أنه لم يعمر نبی إلا نصف عمر الذی يليه من

قبله وإنی لأظن أنى يوشك أن أدعى فأجيب و إن مسؤل و إنكم مسؤولون فماذا أنتم قائلون قالوا نشهد أنك قد بلغت

و جهدت و نصمت فجزاك الله فيرا فقال : « أستم تشهدون أن لا إله إلا الله و أن مممدا عبده و رسوله وأن جنته مق و ناره

مق و أن الموت مق و أن البعث بعد الموت مق و أن الساعة آتية لا ريب فيها و أن الله يبعث من فى القبور » قالوا :

بلى نشهد بذلك قال : « اللهم اشهد » ثم قال : « أيها الناس إن الله مولای و أنا مولی المؤمنین و أنا أولى بهم من

أنفسهم » وفى رواية « أستم تعلمون أنى أولى بالمؤمنین من أنفسهم » قالوا : بلى قال : « فمن كنت مولاه فعلى

مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و ائذل من فذله وأدر المق معه أينما دار» ثم قال : « أيها

الناس إنى فرطكم و إنكم واردون على الموض موضا عرضه كما بين بصرى إلى صنعاء فيه عدد نجوم السماء قدمان من

فضة و إنى سائلكم مين تردون على و إنى تارك فيكم الثقلين فانظروا كيف تفلونى فيهما الأكلير كتاب الله عز و جل

سبب طرفه بيد الله و طرفه بأيديكم فاستمسكوا به لا تزلوا ولا تبدلوا وعترتى أهل بيتى فإنه قد نبأنى اللطيف الفبير  
أنهما لن يفترقا متى يردا على الموض» .

سمط النجوم العوالى فى أنباء الأوائل والتوالى ، عبد الملك بن حسين بن عبد الملك الشافعى العاصمى المكى (متوفى 1111هـ) ، ج 2 ، ص 379 ،  
ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت - 1419هـ - 1998م ، تحقيق : عادل أحمد عبد الموجود - على محمد معوض  
لفظا اين حديث ، طبق آنچه در كتاب طبرانى با سند صحيح آمده است اين است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله وسلم ،  
در روز هجدهم ذى حجه ، زمان بازگشت از حجه الوداع در غدیر خم ، زیر سایه درختان ، بعد از نماز ظهر ، فطبه خواندند و  
فرمودند : « ای مردم . . . به زودی از میان شما فواهم رفت ما و شما مسئولیم . . . سپس فرمودند : ای مردم ! خدا  
مولای من و من مولای مومنین و از فودشان به فودشان ، اولی هستم » . . . گفتند : آری ای رسول خدا ! پیامبر اکرم  
فرمود : « هرکه من مولای اویم ، علی مولای اوست با الها دوست بدار کسی را که او را دوست دارد و دشمن بدار کسی را  
که او را دشمن دارد و یاور کسی باش که یاور اوست و فوار کن کسی را که او را فوار کند و هر کجا که هست مق را با او  
بدار » . . .

## ه : عجلونی (متوفای 1162هـ)

« من كنت مولاة فعلى مولاة » رواه الطبرانى و أمد و الضياء فى المقتارة عن زيد بن أرقم و على و ثلاثين من الصمابة  
بلفظ « اللهم وال من والاه وعاد من عاداه » فالمديث متواتر أو مشهور .

كشف الخفاء ومزيل الإلباس عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس ، إسماعيل بن محمد العجلونى الجراحى (متوفى 1162) ، ج 2 ، ص 361 ،  
ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت - 1405 ، الطبعة : الرابعة ، تحقيق : أحمد القلاش

## و : ألبانى از علمای معاصر اهل سنت

او از جمله‌ی کسانی است که در مورد این حدیث ، تلاش بیشتری نموده و تعدادی از طرق و اسناد آن را بررسی کرده است :

1750- « من كنت مولاة ، فعلى مولاة ، اللهم وال من والاه ، و عاد من عاداه » .

ورد من حديث زيد بن أرقم و سعد بن أبي وقاص و بريدة بن المصيب و على بن أبي

طالب و أبى أيوب الأنصارى و البراء بن عازب و عبد الله بن عباس و أنس بن مالك و أبى سعيد و أبى هريرة .

این حدیث از ( چندین صمابى از جمله : ) زيد بن أرقم و سعد بن أبي وقاص و بريدة بن المصيب و على بن أبيطالب

(عليه السلام) و أبى أيوب الأنصارى و البراء بن عازب و عبد الله بن عباس و أنس بن مالك و أبى سعيد و أبى

هریره ، روایت شده است ( که به بعضی از آنها اشاره ای می شود )

مدیث زید و له عنه طرق فمس :

الأولى : . . . عن أبي الطفيل قال : جمع على رضى الله عنه الناس فى الرمبة ثم قال لهم : أنشد الله كل امرئ مسلم سمع رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول يوم غدیر فم ما سمع لما قام فقام ثلاثون من الناس . . . فشهدوا مین أخذ بيده فقال للناس : " أتعلمون أنى أولى بالمؤمنين من أنفسهم ؟ " قالوا : نعم يا رسول الله ، قال : « من كنت مولاه ، فهذا مولاه ، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » قال : فخرجت و كأن فى نفسى شيئاً ، فلقیت زید بن أرقم ، فقلت له : إني سمعت عليا يقول كذا و كذا قال : فما تذكر ، قد سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ذلك له « . . .

قلت : و إسناده صحيح على شرط البخارى .

1- مدیث زید ( بن ارقم ) که فود دارای پنج طریق است .

طریق اول : . . . ابو طفیل نقل می کند که علی ( علیه السلام ) مردم را در ضمن مسجد جمع کرد و فرمود : هر مسلمانی را که در روز غدیر فم ، سفنان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم را شنید ، سوگند می دهیم ، سی نفر از مردم برفواسته و شهادت دادند که رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ، هنگامی که دست علی ( علیه السلام ) را گرفتند ، قطاب به مردم فرمودند : « آیا من از مومنین به خودشان ، اولی نیستم ؟ » همگی گفتند : آری ای رسول الله فرمود : هر کس که من مولای اویم ، علی مولای اوست بارفدایا دوست بدار هر کس را که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد » ابوظفیل می گوید : از آن مجلس فارغ شده در مالی این سفنان پیامبر (ص) برایم گران آمده بود ، بعد از آن زید بن ارقم (صمابى) را دیدم و گفتم : از علی شنیدم که چنین و چنان می گفت ، زید بن ارقم گفت : انكارش مکن من فود از رسول خدا شنیدم که این سفنان را در مورد علی ( علیه السلام ) می فرمود . . . من ( البانى ) می گویم : این مدیث طبق شرط

بخارى در تصحيح احاديث ، صحيح است .

سعد بن أبى وقاص ، و له عنه ثلاث طرق :

الثانية : عن عبد الوامد بن أيمن عن أبيه به أخرجه النسائى فى الفصائل ( 16 ) و إسناده صحيح أيضا ، رجاله ثقات رجال البخارى غير أيمن والد عبد الوامد و هو ثقة كما فى التقريب .

سعد بن ابى وقاص که فود دارای سه طریق است :

طریق دوم : از عبد الوامد بن ایمن که او از پدرش و او از سعد بن ابی وقاص ، این مدیث را با این طریق نسایی در فضائص امیرالمومنین نقل کرده است و همچنین اسناد آن نیز ، صمیم است ، راویان آن همگی ، راویان بفاری اند جز ایمن پدر عبدالوامد که او همان طور که در کتاب تقریب التهذیب ( ابن مبر عسقلانی ) آمده است ( اگرچه از راویان ، بفاری نیست ) ، موثق است .

علی بن ابی طالب ، و له عنه تسع طرق :

السادسة : عن عبد الرمن بن أبی لیلی قال : " شهدت علیاً رضی الله عنه فی الرمبة ینشد الناس . . . أفرجه عبد الله بن أمم ( 1 / 119 ) من طریق یزید بن أبی زیاد و سماک بن عبید بن الولید العبسی عنه .

قلت : و هو صمیم بمجموع الطریقین عنه .

علی بن ابی طالب ( علیه السلام ) که خود دارای نه طریق است :

طریق ششم : عبد الرمن بن أبی لیلی گفت : در ضمن مسجد ، علی ( علیه السلام ) را دیدم که مردم را سوگند می داد . . . این مدیث را عبدالله بن امم در ج 119 ، از طریق یزید بن أبی زیاد و سماک بن عبید بن الولید العبسی از عبد الرمن بن أبی لیلی ، روایت کرده است

من ( ألبانی ) می گویم : این مدیث با هر دو طریق آن ، صمیم است .

و در پایان ، مطالب خود را در مورد این حدیث ، جمع بندی می کند :

و للمدیث طرق أفری كثيرة جمع طائفة كبيرة منها ، الهیثمی فی المجمع ( 9 / 103 - 108 ) و قد ذكرت و فرجت ما تیسر لی منها مما یقطع الواقف علیها بعد تمقیق الكلام علی أسانیدها بصمة المدیث یقیناً و إلا فهی كثيرة جدا ، و قد استوعبها ابن عقدة فی کتاب مفرد ، قال المافظ ابن مبر : منها صماج و منها مسان و جملة القول أن مدیث الترممة مدیث صمیم بشرطیه ، بل الأول منه متواتر عنه صلی الله علیه و سلم كما ظهر لمن تتبع أسانیده و طرقه ، و ما ذكرت منها کفایة .

این مدیث ، طرق های فراوان دیگری نیز دارد که هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 103 الی 108 ، بسیاری از آنها را ، جمع آوری نموده است من هم آن مقدار را که برایم مقدور بود ، آوردم ، اما دیتی که اگر کسی آنها را ببیند و در موردشان تمقیق کند ، یقین خواهد کرد که اسناد آن یقیناً صمیم است ، ( و نتوانسته ام همه ی طریق ها را بیاورم ) زیرا که واقعاً

زیاداند و ابن عقده در مورد این حدیث کتاب مستقلی ، تالیف کرده و تمام طریق‌های این حدیث را جمع آوری نموده‌است و مافظ ابن حجر در مورد این احادیث گفته‌است : بعضی از آنها ، صمیع و بعضی مسن هستند ، فلاحه‌ی کلام این که : هر دو جزء این حدیث (1- « من كنت مولاه ، فعلى مولاه » و 2- « اللهم وال من والاه ، و عاد من عاداه ») ، صمیع است بلکه جزء اول آن ( « من كنت مولاه ، فعلى مولاه » ) ، از پیامبر صلی الله علیه وسلم ، متواتر است ، و این مطلب برای کسی که در اسناد و طرق این حدیث ، جستجو کند ، روشن می‌شود و این مقدار که من ذکر کردم ، کافی است ..

السلسلة الصحيحة - ج 4 ص 249

[ من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه ] . صمیع ، انظر طرقه و شواهدة فى الكتاب فهى كثيرة

و أولها عن أبى الطفيل عنه قال : لما دفع النبى صلى الله عليه و سلم من مبة الوداع و نزل غدیر خم أمر بدومات فقممن ثم قال : « كأنى دعيت فأجبت و إنى تارك فيكم الثقلين أمدهما أكبر من الآفر : كتاب الله و عترتى أهل بيتى فانظروا كيف تفلونى فيهما فإنهما لن يتفرقا متى يردا على الموض » ثم قال : « إن الله مولای وأنا ولی كل مؤمن ثم إنه أفذ بيد على رضى الله عنه فقال : « من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » . صمیع .

السلسلة الصحيحة - مختصرة ج 4 ص 330

حدیث « من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه » حدیثی صمیع است به طرق و شواهدش که در این کتاب که بسیاری ، نگاه کن اولین آنها ، روایت ابوظفیل است که مضمون آن این است که ، وقتی پیامبر صلی الله علیه و سلم ، از مبة الوداع برمی‌گشتند و وارد غدیر خم شدند ، اصحاب مضرت به دستور ایشان از تنه درختان سکوی بنا کردند مضرت بر بالای آن رفته و فرمودند : « زمان رحلت من نزدیک شده ، من شما را ترک فواهم کرد و دو چیز پر ارزش در میان شما باقی می‌گذارم که یکی از دیگری برتر است ، کتاب فدای عز و جل و عترتم اهل بیتم ، دقت کنید بعد از من با این دو چه فواید کرد ، این دو هرگز از هم جدایی ندارند تا سرانجام در کنار موض کوثر ، نزد من آیند سپس پیامبر اکرم فرمودند : « فداوند عز و جل مولای من و من مولای هر مومنی هستم » سپس دست علی را گرفتند و فرمودند : « هرکس که من مولای اویم ، این (علی) مولای او است ، بار فدایا دوست بدار هرکه را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد » . این حدیث ، صمیع است .

« من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه » و هو حدیث صمیع غایب ، جاء من طرق جماعة من

الصمابة ، فرجت احادیث سبعة منهم و لبعضهم أكثر من طریق و امد و قد فرجتها كلها و تكلمت على أسانيدھا



مدیث « من كنت مولاه فعلىّ مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه » ، در بالاترین مرتبه‌ی ، صمت است ، و از طریق جماعتی از صحابه روایت شده است که من هفت مدیث از آنها را آورده‌ام و برای بعضی از این احادیث ، بیش از یک طریق و جود دارد که من تمام طریق‌های آن مدیث را آورده‌ام و در مورد سندهایشان در کتاب سلسله‌ی احادیث صمیمه ، سفن گفته‌ام .

مدثنا علی بن ممد مدثنا أبو المسین أفبرنی ممد بن سلمه عن علی بن زید ابن جدعان عن عدی بن ثابت عن البراء بن عازب قال : أقبنا مع رسول الله صلى الله عليه و سلم فى مجته التى مع فنزل فى بعض الطريق فأمر الصلاة جامعة فأفد بید علی رضی الله عنه فقال : « ألسن أولى بالمؤمنین من أنفسهم » قالوا : بلی قال : « ألسن أولى بكل مؤمن من نفسه » قالوا بلی قال : « فهذا ولی من أنا مولاه اللهم وال من والاه اللهم عاد من عاداه » (صمیم)

صحیح ابن ماجه ، ج 1 ، ص 26 ، ح 113

... براء بن عازب گفت : به همراه رسول خدا صلى الله عليه و سلم ، در مسیر بازگشت از بیعتشان بودیم ، در منزلی (از منازل بین راه) توقف کردیم و رسول خدا ، دستور دادند که نماز (ظهر و عصر) با هم خوانده شود سپس دست علی علیه السلام را گرفته و فرمودند : « آیا من از مومنین به فودشان اولی نیستم؟ » گفتند : آری ، فرمود : « آیا من از هر مومنی به فودش ، اولی نیستم؟ » گفتند : آری ، فرمود : « این (علی) ولی کسی است که من مولای اویم ، بارفدایا ! دوست بدار کسی را که او را دوست دارد و دشمن باش با کسی که با او دشمن است » این مدیث ، صمیم است .

### 3- نقد این ادعای ابن تیمیه :

علاوه بر دو اقدام فوق ، گروهی از علمای اهل سنت که بعد از ابن تیمیه آمدند اقدام سومى نیز انجام دادند و آن این بود که به صراحت ، ادعای ابن تیمیه را بر کذب و دروغ شمردن «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه ... » ، مورد نقد قرار داده و آن را مردود معرفی نمودند از جمله :

**الف : ابن حجر مکی متوفای (947ق) از اسطوانه‌های حدیثی و رجالی اهل سنت**

أنه (یعنی مدیث من كنت مولاه ) ، مدیث صمیم لا مرية فيه و قد أفرجه جماعة كالترمذی و النسائی و أمد و طرقة كثيرة جدا و من ثم رواه ستة عشر صحابيا و فى رواية لأمد أنه سمعه من النبى صلى الله عليه و سلم ثلاثون صحابيا و

شهدوا به لعلى لما نوزع أيام فلافته كما مر و سيأتي و كثير من أسانيدھا صماح و مسان و لا التفات لمن قدح في صمته

و لا لمن رده بأن عليا كان باليمن لثبوت رجوعه منها و إدراكه المص مع النبي و قول بعضهم **إن زيادة « اللهم وال من والاه**

**الغ « موضوعة ، مردود فقد ورد ذلك من طرق صمغ الذهبى كثيرا منها .**

الصواعق المحرقة على أهل الرضى والضلال والزندقة ، أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيتمي (متوفى 974هـ) ، ج 1 ، ص 164 ،

ناشر : مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417هـ - 1997م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط

... و مرف بعضیها که گفته اند : اضافی « اللهم وال من والاه الغ » جعلی و دروغ است ، مردود است براستی که این

زیادی از طرقی وارد شده که بسیاری از طرق آن را ذهبی ، تصمیح کرده است .

**ب : ملا علی قاری (متوفای 1014هـ)**

... ثم قول بعضهم **إن زيادة « اللهم وال من والاه » موضوعة ، مردودة ، فقد ورد ذلك من طرق صمغ الذهبى**

**كثيرا منها .**

مراجعة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح ، علي بن سلطان محمد القاري (متوفى 1014هـ) ، ج 11 ، ص 258 ، ناشر :

دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت - 1422هـ - 2001م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : جمال عيتاني

... مرفهای بعضی که گفته اند : اضافی « اللهم وال من والاه الغ » جعلی و دروغ است ، مردود است براستی که این

زیادی از طرقی وارد شده که بسیاری از طرق آن را ذهبی ، تصمیح کرده است .

**ج : برهان الدين حلبى (متوفای 1044هـ)**

... و قول بعضهم **إن زيادة « اللهم وال من والاه إلى آفره » موضوعة ، مردود فقد ورد ذلك من طرق صمغ الذهبى**

**كثيرا منها .**

السيرة الحلبية في سيرة الأمين المأمون ، علي بن برهان الدين الحلبي متوفى 1044 ، ج 3 ، ص 336 ناشر : دار المعرفة - بيروت - 1400

... و مرف بعضیها که گفته اند : اضافی « اللهم وال من والاه الغ » جعلی و دروغ است ، مردود است براستی که این

زیادی از طرقی وارد شده که بسیاری از طرق آن را ذهبی ، تصمیح کرده است .

**د : ألبانى از علمای طراز اول و معاصر اهل سنت :**

او بعد از ذکر اسناد و طرق فراوان حدیث « من كنت مولاه ، فعلى مولاه ، اللهم وال من والاه ، و عاد من عاداه » ، نتیجه گیری کرده و

می نویسد :

... و جملة القول أن حديث الترجمة **مدیت صمغ بشرطیه** ، بل الأول منه متواتر عنه صلى الله عليه و سلم كما ظهر

لمن تتبع أسانیده و طرقه و ما ذكرت منها كفاية .

فلاصحة كلام این كه : هر دو جزء این حدیث (1- « من كنت مولاه ، فعلى مولاه » و 2- « اللهم وال من والاه ، و عاد من

عاداه » ) ، صمیم است بلکه جزء اول آن ( « من كنت مولاه ، فعلى مولاه » ) ، از پیامبر صلی الله علیه وسلم ، متواتر

است ، و این مطلب برای کسی كه در اسناد و طرق این حدیث ، جستجو كند ، روشن می شود و این مقدار كه من ذكر

كردم ، كافی است ..

و بلافاصله پس از این نتیجه گیری ، انگیزه اش را از بررسی اسناد این احادیث ، بیان می كند :

إذا عرفت هذا ، فقد كان الدافع لتمرير الكلام على الحديث و بيان صمته ، أنني رأيت شيخ الإسلام بن تيمية ، قد ضعف

الشطر الأول من الحديث و أما الشطر الآخر ، فزعم أنه كذب ! و هذا من مبالغته الناتجة في تقديرى من تسرع في

تضعيف الأحاديث قبل أن يجمع طرقها و يدقق النظر فيها و الله المستعان .

السلسلة الصحيحة - ج 4 ص 249

حال كه اسناد و طرق این حدیث را شناختی ، باید بگویم : انگیزه ی من از نوشتن این مطالب ، پیرامون این حدیث و بیان

صحت آن ، این است كه دیدم شیخ الاسلام ابن تیمیه ، جزء اول آن («من كنت مولاه ، فعلى مولاه » ) را ضعیف شمرده

و همچنین گمان کرده ، جزء دوم آن ( « اللهم وال من والاه ، و عاد من عاداه » ) ، دروغ و كذب است ، به نظر من ، منشاء

این ادعای او ، زیاده روی است كه در اثر شتاب زدگی او در تضعیف احادیث ، قبل از جمع كردن اسناد و طرق يك حدیث و

دقت و تامل در آنها ، صورت گرفته است .

در پایان می گویم : آیا ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب این منابع دست اول اهل سنت و نظرات علمای اهل سنت را قبل از خود ندیده اند

(همان گونه كه ألبانی گفت ) كه لب به چنین سخنانی گشوده و خود را رسوای خاص و عام کرده اند كه اگر چنین باشد ، نشانگر عمق

جهلشان به متون روایی اهل سنت و یا این كه دیده اند ولی ...

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)